

گزارش

هادی اسماعیلی



فرزاد منشی آتسینم

نیست، بلکه به توانایی تأثیر گذاری بر جامعه و خلق ارزش های پایدار گره خورده است. حمایت اجتماعی و فرهنگی نیز در موفقیت کار آفرینان نقش دارد. در سال های اخیر، تغییر نگرش جامعه نسبت به کار آفرینی، به ویژه در میان نسل جوان، انگیزه های مضاعف برای نوآوران ایجاد کرده است. جوانان ایرانی دیگر کار آفرینی را تنها یک شغل نمی دانند، بلکه آن را راهی برای تحقق رؤیاها و ساختن آینده ای بهتر می بینند. با این حال، برای تقویت امنیت شغلی کار آفرینان، نیاز به اصلاحات ساختاری است. ساده سازی قوانین، بهبود دسترسی به سرمایه و ایجاد زیر ساخت های فناوری می تواند راه را برای رشد کسب و کار ها هموار کند. دولت و بخش خصوصی باید دست در دست هم دهند تا اکوسیستم کار آفرینی در ایران به بلوغ برسد. کار آفرینی در کشورمان، داستانی از امید و تلاش است. کار آفرینان با وجود همه سختی ها، نشان داده اند می توانند با خلاقیت و پشتکار، نه تنها برای خود، بلکه برای جامعه ای که در آن زندگی می کنند، امنیت و ارزش خلق کنند. این مسیر، شاید پر مخاطره باشد، اما برای آنها که جرئت رؤیاپردازی دارند، پاداشی بی نظیر دری دارد.

■ حمایت هدفمند از کار آفرینان

کار آفرینی با خلاقیت و پشتکار و موانع اقتصادی و ساختاری گره خورده است. در این میان، نقش دولت به عنوان بازیگری کلیدی در تقویت امنیت شغلی کار آفرینان، غیر قابل انکار است. کار آفرینان ایرانی، با وجود تحریم ها، تورم و بی ثباتی اقتصادی، توانسته اند با تکیه بر نوآوری، کسب و کار هایی خلق کنند که نه تنها برای خودشان، بلکه برای جامعه ارزش آفرینی کنند. اما این تلاش ها بدون حمایت هدفمند دولت، شکستنده باقی می ماند. مطالبه اصلی کار آفرینان از دولت، مدیریت هوشمندانه واردات و ایجاد فضایی است که در آن تولید داخلی و نوآوری های بومی، فرصت شکوفایی پیدا کنند. یکی از بزرگ ترین چالش های کار آفرینان ایرانی، رقابت نابرابر با محصولات وارداتی است. در های باز واردات، به ویژه در حوزه هایی که توان تولید داخلی وجود دار، مانند شمشیری دولبه عمل می کند. از یکسو، دسترسی به کالاهای خارجی می تواند رقابت را تقویت کند اما از سوی دیگر، واردات بی رویه و بدون توجیه اقتصادی، کسب و کار های نوپا را به ورطه نابودی می کشاند. دولت باید با مدیریت دقیق و هدفمند واردات، از کار آفرینانی که با سرمایه و انرژی محدود، در حال خلق ارزش اند، حمایت کند. برای مثال، در حوزه فناوری و صنایع خلاق، استارت آپ های ایرانی توان رقابت با محصولات خارجی را دارند، مشروط بر اینکه سیاست های وارداتی، عرصه را بر آنها تنگ نکند. مدیریت واردات تنها بخشی از پازل است. دولت باید ارزش واقعی کار آفرینان را به رسمیت بشناسد و آنها را به عنوان موتور محرک اقتصاد ملی، در اولویت قرار دهد. این ارزش گذاری، نه در شعار، بلکه در عمل باید نمود بیاد. ساده سازی قوانین کسب و کار، کاهش بوروکراسی و ارائه تسهیلات هدفمند، از جمله اقداماتی است که می تواند امنیت شغلی کار آفرینان را تقویت کند. برای نمونه، کار آفرینان در حوزه کشاورزی و صنایع غذایی بارها از موانع دریافت مجوز و دسترسی به سرمایه گایه کره ده اند. دولت می تواند با ایجاد صندوق های سرمایه گذاری تخصصی و شفاف، این موانع را بر طرف کند. علاوه بر این، دولت باید از باز شدن بی ضابطه در های واردات جلوگیری کند. هر کالای وارداتی باید توجیه عقلانی و اقتصادی داشته باشد و اولویت با حمایت از تولید داخلی باشد. برای مثال، در برخی حوزه ها، کار آفرینان ایرانی توانسته اند با طراحی های خلاقانه و کیفیت قابل رقابت، بازار های داخلی را تسخیر کنند، اما ورود بی رویه محصولات ارزان قیمت خارجی، این دستاوردها را تهدید می کند. سیاست گذاری هوشمندانه در این حوزه، نه تنها امنیت شغلی کار آفرینان را تضمین می کند، بلکه اشتغالزایی گسترده ای را به دنبال دارد.

ارزش گذاری به کار آفرینان، نیازمند تغییر نگاه فرهنگی نیز است. دولت می تواند با ترویج فرهنگ کار آفرینی و معرفی الگوهای موفق، انگیزه ای مضاعف در نسل جوان ایجاد کند. برنامه های آموزشی، جشنواره های نوآوری و حمایت از استارت آپ های محلی، راه هایی برای نشان دادن این تعهد است. کار آفرینان ایرانی، با وجود همه سختی ها، نشان داده اند می توانند در برابر طوفان های اقتصادی ایستاده گی کنند اما این ایستادگی زمانی پایدار خواهد بود که دولت، نه به عنوان مانع، بلکه به عنوان حامی در کنارشان باشد. در نهایت، امنیت شغلی کار آفرینان در گرو سیاستی است که نوآوری را راج نهد و تولید داخلی را در برابر هجوم بی رویه واردات مصون دارد. کار آفرینان، سربازان خط مقدم اقتصاد ایران اند و شایسته حمایت هایی اند که نه تنها رؤیاهاشان را زنده نگه دارد، بلکه آینده ای روشن برای کشور رقم بزند.

که از یادگیری بازمی مانند، به سرعت از گردونه رقابت خارج می شوند. کار آفرینان ایرانی، به ویژه در حوزه فناوری، با مطالعه روندهای جهانی و تطبیق آنها با نیازهای محلی، کسب و کار هایی پایدار ایجاد کرده اند. برای نمونه، استارت آپ های فین تک در کشورمان با ارائه راهکار های پرداخت دیجیتال، توانسته اند نیاز های روزمره مردم را بر آورده کنند و در عین حال، امنیت شغلی خود را تضمین کنند. اما کار آفرینی بدون چالش های روانی ممکن نیست. استرس، اضطراب و ترس از شکست، همراهان همیشگی کار آفرینان اند. در کشورمان، این فشارها ممکن است با مشکلات اقتصادی و اجتماعی تشدید شوند. با این حال، کار آفرینان موفق، این چالش ها را به عنوان بخشی از مسیر رشد می پذیرند. آنها می دانند، امنیت شغلی، نه در ثبات محیط، بلکه در توانایی آنها برای مدیریت بحران نهفته است.

■ تلاش برای آینده

کار آفرینی در کشورمان، بیش از هر جای دیگر، نیازمند روحیه ای خستگی ناپذیر است. در کشوری که اقتصاد آن تحت تأثیر تحریم های تحمیلی، تورم و بی ثباتی قوانین قرار دارد، کار آفرینان باید با موانع بی شماری دست و پنجه نرم کنند. با این حال، همین شرایط دشوار، فرصتی برای نوآوری و خلاقیت فراهم کرده است. کار آفرینان ایرانی با تکیه بر منابع بومی و دانش محلی، توانسته اند کسب و کار هایی خلق کنند که نه تنها در بازار داخلی، بلکه در سطح جهانی نیز رقابت پذیرند. یکی از حوزه های موفق کار آفرینی در کشورمان، فناوری اطلاعات است. استارت آپ هایی با درک نیازهای جامعه ایرانی، توانسته اند جای خود را در زندگی روزمره مردم باز کنند. این کسب و کار ها نشان می دهند امنیت شغلی در کار آفرینی، تنها به در آمد وابسته

بر خلاقیت و نوآوری، جایگاهی در بازار پیدا کرده اند، نشان داده اند می یابند. آنها به جای وابستگی به یک کار فرما، خود خالق شغل می شوند. نمونه های موفق استارت آپ های ایرانی نشان می دهند، حتی در شرایط دشوار، می توان با خلاقیت و پشتکار، کسب و کار هایی پایدار ایجاد کرد. اما این پایداری به چه قیمتی به دست می آید؟

■ باز تعریف امنیت شغلی در دنیای کار آفرینی

امنیت شغلی در کار آفرینی، مفهومی چندوجهی است که فراتر از در آمد ثابت یا بیمه تأمین اجتماعی تعریف می شود. کار آفرینان، به جای تکیه بر ساختار های سنتی، امنیت را در شبکه سازی، یادگیری مداوم و انعطاف پذیری می جویند. در جهانی که مشاغل سنتی به دلیل اتوماسیون و تغییرات اقتصادی در معرض خطرند، کار آفرینان مسئول سرنوشت شان هستند. مدیریت ریسک، کلید موفقیت در این مسیر است. در کشورمان، نوسانات ارزی، تورم و تغییرات ناگهانی سیاست های اقتصادی می توانند یک کسب و کار نوپا را به سرعت نابود کنند. کار آفرینان موفق با تنوع بخشی به محصولات، بهره گیری از فناوری و ایجاد شبکه های همکاری، آسیب پذیری خود را کاهش می دهند. برای مثال، کسب و کار های کوچک در حوزه صنایع دستی با استفاده از سکوهای بر خط (پلتفرم های آنلاین)، توانسته اند بازار های بین المللی را هدف قرار دهند و از این طریق، امنیت شغلی خود را تقویت کنند.

دولت نیز در سال های اخیر با ایجاد صندوق های سرمایه گذاری خطر پذیر و تسهیلات بانکی، تلاش هایی برای حمایت از کار آفرینان انجام داده است. اما این حمایت ها اغلب با دیوان سالاری پیچیده و عدم شفافیت همراه اند. بسیاری از کار آفرینان معتقدند قوانین دست و پا گیر و نبود زیر ساخت های مناسب، بیش از آنکه کمک کنند، مانع رشد کسب و کار ها می شوند. با این حال، کار آفرینانی که با تکیه

کار آفرینان موفق، امنیت شغلی را در توانایی خود برای خلق فرصت ها می یابند. آنها به جای وابستگی به یک کار فرما، خود خالق شغل می شوند. نمونه های موفق استارت آپ های ایرانی نشان می دهند، حتی در شرایط دشوار، می توان با خلاقیت و پشتکار، کسب و کار هایی پایدار ایجاد کرد. اما این پایداری به چه قیمتی به دست می آید؟ کار آفرینان برای رسیدن به امنیت شغلی، باید مهارت های چندگانه ای را در خود پرورش دهند: از مدیریت مالی و بازاریابی گرفته تا تاب آوری روانی در برابر شکست ها. برخلاف کارمندان که امنیت شغلی شان به قرارداد های سازمانی وابسته است، کار آفرینان خود مسئول سرنوشت شان هستند. مدیریت ریسک، کلید موفقیت در این مسیر است. در کشورمان، نوسانات ارزی، تورم و تغییرات ناگهانی سیاست های اقتصادی می توانند یک کسب و کار نوپا را به سرعت نابود کنند. کار آفرینان موفق با تنوع بخشی به محصولات، بهره گیری از فناوری و ایجاد شبکه های همکاری، آسیب پذیری خود را کاهش می دهند. برای مثال، کسب و کار های کوچک در حوزه صنایع دستی با استفاده از سکوهای بر خط (پلتفرم های آنلاین)، توانسته اند بازار های بین المللی را هدف قرار دهند و از این طریق، امنیت شغلی خود را تقویت کنند.

دولت نیز در سال های اخیر با ایجاد صندوق های سرمایه گذاری خطر پذیر و تسهیلات بانکی، تلاش هایی برای حمایت از کار آفرینان انجام داده است. اما این حمایت ها اغلب با دیوان سالاری پیچیده و عدم شفافیت همراه اند. بسیاری از کار آفرینان معتقدند قوانین دست و پا گیر و نبود زیر ساخت های مناسب، بیش از آنکه کمک کنند، مانع رشد کسب و کار ها می شوند. با این حال، کار آفرینانی که با تکیه

«جهان را تغییر بده اما اول خودت را نجات بده!» این شعار نانو شته کار آفرینان است که با جسارت قدم در مسیری ناشناخته می گذار ند. کار آفرینی، برخلاف مشاغل سنتی، وعده ثبات نمی دهد اما رؤیای خلق ارزش را در دل ها زنده می کند. امنیت شغلی برای کار آفرین، نه در قرارداد های ثابت، بلکه در توانایی سازگاری با طوفان های اقتصادی و نوآوری مداوم نهفته است. این مسیر، پر از فراز و نشیب، گاهی به قله های موفقیت ختم می شود و گاهی به دره های شکست. اما چه چیزی کار آفرینان را به ادامه این راه ر می مخاطره و ا می دارد؟ آیا امنیت شغلی در دنیای کار آفرینی، افسانه ای دست نیافتنی است یا واقعیتی که با تلاش و هوشمندی ساخته می شود؟ این پرسش همچنان وجود دارد که چگونه کار آفرینان کشورمان با چالش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست و پنجه نرم می کنند، تا امنیت شغلی خود را در جهانی بی ثبات تضمین کنند؟

■ ■ ■

کار آفرینی، برخلاف تصور رایج، نه تنها راهی برای فرار از ناامنی شغلی نیست، بلکه خود می تواند منشأ مخاطرات جدیدی باشد. در دنیای مدرن، جایی که تغییرات اقتصادی و فناوری با سرعتی سرسام آور پیش می روند، کار آفرینان در خط مقدم این تحولات ایستاده اند. آنها نه تنها با رقبا داخلی و خارجی، بلکه با موانع ساختاری مانند قوانین پیچیده، تحریم ها و بی ثباتی بازار مواجه اند. در کشورمان، این چالش ها دوچندان است. دسترسی محدود به سرمایه، زیر ساخت های ناکافی و نوسانات اقتصادی، کار آفرینان را در تنگنای دائمی قرار می دهد. با این حال، کار آفرینی به معنای تسلیم شدن نیست.

باادداشت

شروط حمایت از «سرمایه گذاری برای تولید»

برای ایجاد زیر ساخت های مورد نیاز نیز منظر قرار گیرد. در نهایت، دستیابی به تعادل میان حمایت از تولید داخلی و نیاز به واردات کالاها و خدمات ضروری، نیازمند رویکردی جامع و هم افزاست که بتواند منافع ملی را در مقاطع مختلف زمانی تأمین کند.

زیر ساخت های تولید و عرضه، تسهیل قوانین و مقررات، توسعه فناوری های نوین، اصلاح الگوهای مختلف تولید، توزیع و مصرف، متناسب سازی تولید و خدمات با نیاز های مصرف کنندگان خارجی، تولید کالاهای رقابت پذیر از حیث کیفیت، قیمت و... از ضرورت های حمایت از صادرات است که می تواند به تقویت اقتصاد، افزایش اشتغال و بهبود تعادل مرادات خارجی کمک کند. اساساً محصولات خدمات رقابت پذیر می توانند در مقوله صادرات ارزش آفرین باشند.

اما در خصوص واردات لازم است، اولاً در راستای تأمین کالا و خدمات مورد نیاز کشور باشد. ثانیاً به بهبود رقابت پذیری بنگاه های اقتصادی اثر گذار باشد، ثالثاً انتقال فناوری و دانش فنی به داخل کشور را در پی داشته باشد. چند وقت پیش بخشنامه ای خبر ساز شد که بر اساس آن ابزار تعرفه ای به جای ممنوعیت واردات مورد تأکید قرار گرفته بود. تعرفه ها می توانند به عنوان ابزاری مؤثر برای حمایت از صنایع داخلی و افزایش درآمدهای دولت عمل کنند اما باید با دقت و با توجه به شرایط اقتصادی و نیازهای فعلی کشور تعیین شوند. همچنین، فقدان اطلاعات دقیق و بی طرفانه می تواند به اشتباهات در تصمیم گیری منجر شود و در نهایت به آسیب به تولید داخلی و اقتصاد کشور بینجامد.

از سوی دیگر، اجرای سیاست های تعرفه ای بدون وجود زیر ساخت های مناسب، می تواند به نتایج معکوس منجر شود، از جمله افزایش واردات بی رویه که خود می تواند به تضعیف تولید داخلی منجر شود. بنابراین، لازم است که هر گونه تغییر در سیاست های تجاری بر اساس تحلیل های جامع و اطلاعات معتبر صورت گیرد و ملاحظات لازم

صادرات و واردات دور کن اصلی تجارت بین المللی هستند. صادرات اغلب به عنوان موتور رشد اقتصادی در نظر گرفته می شود. شناسایی بازار های هدف، بهبود زیر ساخت های تولید و عرضه، تسهیل قوانین و مقررات، توسعه فناوری های نوین، اصلاح الگوهای مختلف تولید، توزیع و مصرف، متناسب سازی تولید و خدمات با نیاز های مصرف کنندگان خارجی، تولید کالاهای رقابت پذیر از حیث کیفیت، قیمت و... از ضرورت های حمایت از صادرات است که می تواند به تقویت اقتصاد، افزایش اشتغال و بهبود تعادل مرادات خارجی کمک کند. اساساً محصولات خدمات رقابت پذیر می توانند در مقوله صادرات ارزش آفرین باشند.

اما در خصوص واردات لازم است، اولاً در راستای تأمین کالا و خدمات مورد نیاز کشور باشد. ثانیاً به بهبود رقابت پذیری بنگاه های اقتصادی اثر گذار باشد، ثالثاً انتقال فناوری و دانش فنی به داخل کشور را در پی داشته باشد. چند وقت پیش بخشنامه ای خبر ساز شد که بر اساس آن ابزار تعرفه ای به جای ممنوعیت واردات مورد تأکید قرار گرفته بود. تعرفه ها می توانند به عنوان ابزاری مؤثر برای حمایت از صنایع داخلی و افزایش درآمدهای دولت عمل کنند اما باید با دقت و با توجه به شرایط اقتصادی و نیازهای فعلی کشور تعیین شوند. همچنین، فقدان اطلاعات دقیق و بی طرفانه می تواند به اشتباهات در تصمیم گیری منجر شود و در نهایت به آسیب به تولید داخلی و اقتصاد کشور بینجامد.

از سوی دیگر، اجرای سیاست های تعرفه ای بدون وجود زیر ساخت های مناسب، می تواند به نتایج معکوس منجر شود، از جمله افزایش واردات بی رویه که خود می تواند به تضعیف تولید داخلی منجر شود. بنابراین، لازم است که هر گونه تغییر در سیاست های تجاری بر اساس تحلیل های جامع و اطلاعات معتبر صورت گیرد و ملاحظات لازم



تعیین شده سیاست های اقتصاد مقاومتی اشاره می کنم که به رغم تأکیدات و سازو کار های ایجاد شده از جمله: ایجاد پژوهشگاه اقتصاد مقاومتی و بر گزاری همایش و... هنوز کارنامه قابل قبولی در خصوص تحقق اهداف برنامه ها به صورت شفاف به مردم گزارش نشده است.

امید می رود در خصوص شعار سال جاری متفاوت تر از سنوات گذشته عمل شوند و در همین رابطه خوشبختانه دولت چهار دهم برنامه اقدامات برای افزایش سرمایه گذاری را در دستور کار خود قرار داده و کار گرو و پژوهی برای پیگیری و تحقق سال ۱۴۰۴ به ریاست معاون اول رئیس جمهور، با عضویت وزار تخانه ها و دستگاه های ذینفع تشکیل داده و ماهیانه نشست جلسه بدهند. ایراد وارده به این کار گروه نیز این است که نماینده اشکال مردم در این کار گروه دیده نمی شود که بتواند مطالبات مردم را در تصمیم سازی ها تأثیر گذار باشد اگر چه ممکن است از اتحاد بها و انجمن های صنفی دعوت به عمل آید.

قدیمی بوده که عملاً صرفه اقتصادی در تولید را به قیقر ا برده است بدروزرسانی تجهیزات و امکانات تولید از نیاز های تقویت تولید است که سرمایه گذاری های قابل تأملی را می طلبد.

در هر حال هر دولتی امتدادار موقت در دوره زمان مشخصی برای امور کشور است. صبحی آن است که امانتدار شایسته ای برای اداره امور کشور و هزینه کردهای بودجه باشد. دولت باید در خصوص اثر بخشی هزینه کردها، کنترل و پایش آنها، دستاوردها و هدر رفت ها به مردم و دستگاه های نظارتی گزارش دهد و از سؤ جربانات احتمالی پیشگیری به عمل آورد.

مقصود تمام برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها تحقق شعار سال بر اساس منویات مقام معظم رهبری در نهایت تأمین رضایت همه ذی نفعان از جمله مردم و تأمین منافع ملی با توجه به محدودیت های موجود است با حرف و شعار و تابلو مقصود حاصل نمی شود ابتکار عمل و خلاقیت در اجرا لازم است.

در پایان با تأسی از تجربیات سال های گذشته در تحقق اهداف

واقعی و دلسوز و آحاد مصرف کنندگان را در پی داشته باشد. - شکست انحصارات داخلی یکی از سنگ بناهای توسعه اقتصادی است. تعرفه نباید به انحصار دامن بزند، رقابت پذیری در تولید و عرضه از دستاوردهای سیاست های تعرفه ای صبح است.

- نارتازی ها و کمبودهای موجود حکایت از آن دارد که عوامل تولید از کنترل تولید کنندگان خارج و مدیریت تولید دچار بحران شده است، تولید کنندگان برای هر مدل از برنامه ریزی موفق نیازمند اطمینان از تأمین منابع و بهره مندی از زیر ساخت ها هستند.

- قاچاق کالا و تولیدات زیر پله ای همواره تهدیدی برای تولید داخل هستند، ساماندهی این دو معضل از ضروریات تقویت تولید است. - بی ثباتی های اقتصادی و نوسانات نرخ ارز امکان برنامه ریزی برای ریسک های مالی و بازار را به اشتراک بگذارند و امنیت شغلی خود را تقویت و استفاده بهینه از منابع را متزلزل کرده و تثبیت آن حداقل انتظار صاحبان صنایع است.

- ایجاد تمایل برای سرمایه گذاری در کشور، چه سرمایه گذاری خارجی و چه سرمایه گذاری های داخلی نیازمند تضمین سرمایه است. در این خصوص خلأ جدی در کشور وجود دارد.

- تحریم ها و انزو ا و قطع رابطه با منابع خارجی فرصت های بین المللی را از کشور سلب کرده و از منطری تهدید برای حمایت از تولید داخلی محسوب می شود. لازم است برای تبدیل تهدیدها به فرصت ها تدبیر شود.

- مرادات اقتصادی با منابع خارجی مستلزم هماهنگی نظام بانکی کشور با نظام های پولی، مالی و بانکی کشورهای هدف است، تحریم ها محدودیت هایی را در این خصوص به وجود آورده است که عملاً هزینه و صادرات را بالا برده و صرفه اقتصادی را متزلزل کرده است.

این مشکل باید حل شود. - قطعی برق، کمبود گاز، مشکلات حمل ونقل، کمبود منابع مالی، ضعف های مدیریتی، ضعف های نظارت و... تهدیدات جدی برای سرمایه گذاری و تولید هستند و حل فصل این مشکلات زمانبر و در طولانی مدت میسر خواهد شد.

- اغلب در صنایع کشور شاهد هشتمین سازو کار های تولید از نسل